

غلام محمد زارع

ما به ایالات متحده امریکا بیشتر نیاز داریم یا امریکا به ما



کشتار شانزده تن از باشنده های ولسوالی پنجوایی ولایت کندهار بدست سرباز امریکایی جنایت هولناک است که نه تنها افغانها بلکه کشورها و مردمان متمدن جهان را به نفرت و انزجار از این عمل ددمنشانه و دور از عاطفه ای انسانی واداشته است . عمل وحشیانه که در آن زنان و اطفال بی گناه قربانی ، جنون لجام گسیخته انسان که از کشتن لذت میبرد و غیر از کشتن ، برباد کردن ، آتش زدن و به انفجار کشیدن چیزی دیگر نیاموخته ویا نخواسته بیاموزد انقدر هم غیر منتظره نیست . به شهادت رساندن انسانهای بی گناه وبخصوص اطفال و زنان ، عمل فجیع است که وجدان هر انسان با وجدان را ناراحت ساخته و این عمل در قوانین تمام کشور ها جرم و جنایت در برابر انسانیت است . ما همه در این غم بزرگ شریک بوده و در ماتم هموطنان خود غم دار میباشیم . ما در حالیکه مراتب غمشریکی عمیق خود را به باز مانده های واقعه پنجوایی ابراز میداریم ، برای شهدا اجر جمیل و بهشت برین از بارگاهی ایزد متعال خواهانیم . روح همه ایشان شاد باشد .

مناسبات میان افغانستان و ایالات متحده امریکا که بدون آن هم چندان ثبات نداشت با بروز دو واقعه اخیر (آتش زدن قران کریم و به شهادت رساندن شانزده شهروند غیر مسلح افغان بدست سرباز امریکایی) متزلزل تر گردیده است . مناسبات که گاهی با اعمال ناشایست و ناهنجار سربازان امریکایی و زمانی هم بدلیل احساسات بی جا و بی مورد و برخورد های ناسنجیده مقامات افغانی صدمه دیده و به حال نمی آید .

اعمال ناسنجیده و غیر انسانی سربازان امریکایی باعث گردیده است که احساسات ضد امریکایی در کشور ما تقویه گردیده ، زمینه استفاده و بهره برداری دشمنان داخل و خارج حاکمیت در افغانستان فراهم گردد . طالبان باز هم خود را مدافع مردم؟؟ قلمداد کرده و در صدد انتقام گیری از امریکایی ها برآمده اند . از سوی دیگر محصلین پوهنتون ننگرهار با راه اندازی تظاهرات و مسدود کردن راه کابل - جلال آباد در پهلوئی شعار های مرگ بر امریکا بر ضد امضای موافقتنامه مشارکت ستراتیژیک با امریکا سروصدا های را انداخته ، آب به آسیاب دشمنان قسم خوده ای وطن ریختند . برگزاری تظاهرات و راه پیمایی اعتراضی ، کار خود جوش نبوده بلکه عمل پلان شده وسازمان یافته توسط حلقه های معین مخالف حضور نیرو های خارجی در کشور میباشد .

افغانستان هیچگاه نه تنها نتوانسته از موقعیت جیوپولتیک خود استفاده معقول و مناسب نماید بلکه همیشه در میان دوسنگ ارد گردیده است. در اوضاع و احوال کنونی با ظهور همسایه های قدرتمند و پر مدعا، بارها کشور ما تا لبه های سقوط و نابودی سوق گردیده است. افغانستان از لحاظ اقتصادی ضعیف، از لحاظ جغرافیایی محاط به خشکه، از نظر انکشاف علم و تکنیک در سطح خیلی پایین، از نگاه امکانات تکنیکی کاملاً وابسته و از لحاظ سیاسی در گرو رهبران است که نه آگاه هستند، نه کار فهم، نه با دانش و نه هم توانمندی اتخاذ فیصله ها و اجرای آنها دارند.

اگر ما از امضای موافقتنامه مشارکت ستراتیژیک میان افغانستان و ایالات متحده امریکا پشتیبانی و حمایت می نمایم، هم به همین دلیل است که ما به این حمایت و پشتیبانی بیشتر نیازمند هستیم تا امریکا به ما. موافقتنامه ستراتیژیک نه تنها دست همسایه ها را از کشور ما کوتاه میسازد بلکه چارچوب برای حضور امریکا بعد از خروج نیرو های خارجی از افغانستان در سال 2014 میلادی را نیز مساعد میسازد.

عمل جنایتکارانه سرباز امریکایی در ولایت کندهار خوشبختانه نمایانگر طرز دید و رفتار تمام نیرو های خارجی در افغانستان نمیباشد، چنانچه رسموسن طی مصاحبه گفته است: "مهم است که تاکید شود این عمل جنون آمیز ظاهراً توسط یک فرد انجام شده است، و اینکه این عمل به هیچ وجه بیانگر شیوه عملکرد نیرو های ما در افغانستان نیست."

جنگ در افغانستان بدلیل اشتباهات کشنده ناتو و امریکا در مورد کشور ما و عدم زیرکی و درایت و فهم سیاسی رهبران افغانی به درازا کشید. این جنگ زیاده تر ماهیت فرسایشی را اختیار کرده و یک قشر بزرگ از مافیای جنگ را که متشکل از افغانها و خارجی ها اند بوجود آورده است که حیات و هست و بود خود را در این جنگ می بینند و بس. خونریزی و کشتار در افغانستان برای افغانها و امریکایی های عادی سخت حوصله گیر و درد آور گردیده است. چنانچه یک نظر خواهی روزنامه واشنگتن پوست و آژانس خبری ای، بی، سی امریکا نشان میدهد که 60 فیصد مردم امریکا گفته اند که جنگ در افغانستان "ارزش جنگیدن" را ندارد. تلفات انسانی و خسارات مالی این جنگ تا سرحد است که حتی جمهوری خواهان که تا دیروز طرفدار قاطعیت در جنگ مذکور بودند اکنون علاقمندی چندانی به ادامه تعهدات کشور شان در مورد افغانستان نداشته و در صدد خروج از این کشور میباشند.

با بروز واقعه درد اور شهادت شانزده هموطن ما در ولایت کندهار، وکلای مردم؟؟ در شورای ملی که بدون انهم کدام کار مفید به مردم افغانستان انجام نمیدهند، بهانه گرفته یک روز را برای خود تعطیل اعلان کرده و خواستند که باز هم خود را به چشم مردم زده نشان بدهند که ما هم یک روز را بنام اعتراض به شورا نرفتیم، در حالیکه نماینده های به اصطلاح انتخابی مردم همیشه مصروف کارها و معاملات شخصی خود میباشند.

تقاضای رییس جمهور کرسی از وزیر دفاع امریکا مبنی بر خروج تمام نیرو های ناتو از قرا و قصبات و تمرکز شان در قرارگاه ها، مواضع طالبان را بیشتر تقویه کرده و زمینه سرباز گیری بیشتر آنها را میآثر ساخته و ساحه اقتدار ارگان های محلی قدرت دولتی را محدود و امکانات تماس شانرا با مردم محل تضعیف و از بین میبرد. آیا ما به کمک قطعات نظامی ناتو در افغانستان ضرورت نداریم؟ آیا قوت های نظامی افغانستان توان مقابله با طالبان و القاعده را دارند؟ آیا با خروج قطعات ناتو خلای امنیتی بوجود خواهد آمد؟ آیا دولت معیوب و مریض کابل در نتیجه فشار و معامله گری از هم نخواهد پاشید؟ و آیا وقایع سال های 1992 — 2001 تکرار خواهد شد؟

بوجود آوردن یک چوکات قانونی برای فعالیت های قطعات امریکا در افغانستان کاملاً موجه، مطرح و با ارزش است. به همین دلیل هم است که امضای پیمان مشارکت ستراتیژیک با امریکا حدود قانونی برای فعالیت های بعدی این

نیرو ها قابل شده و جلو هجوم طالبان و دیگر شرطلبان را که در انتظار موقع مناسب نشسته اند می گیرد .

در شرایط و اوضاع فعلی که ما سخت به کمک های علمی ، تخنیکی ، مالی و نظامی جامعه جهانی احتیاج داریم ، سیاست بازی های احساساتی دور از واقعیت ، میان تهی نه تنها ما رادر میان مردم محبوب نمیسازد بلکه اعتبار ما را در جهان خدشه دار ساخته ، زمینه های بیشتر دلسردی جامعه جهانی را بار آورده و افغانهای ساده و پاک نهاد را به جبهه دشمن سوق می کند .

پایان

2012 . 03 . 18